

## تعامل امام نهم، دهم و یازدهم علیه السلام با خانواده و ارحام

هادی و کیلی \*

فائزه بکمرادی \*\*

### چکیده

امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام در زمانه‌ای می‌زیستند که حساسیت خلفا در مورد امام شیعه بسیار بیشتر از زمان‌های گذشته بود و حکومت می‌کوشید تا با روش‌های مستقیم و غیر مستقیم هرگونه فعالیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امام شیعه را تحت نظر قرار دهد. تلاش مأمون در تزویج دخترش ام‌الفضل به امام جواد علیه السلام، دعوت از امام هادی علیه السلام برای سکونت در سامرا توسط متوکل و محدود کردن امام حسن عسکری علیه السلام خود مؤید این نظر است. این حساسیت سبب می‌شد امامان نتوانند همچون پدران خود به فعالیت‌های اجتماعی پرداخته و با عامه مردم در ارتباط باشند. پرسش این جاست که این سه امام بزرگوار چگونه در عرصه خانواده فعالیت داشته و با خویشاوندان خود ارتباط برقرار می‌کردند؟

آن طور که از منابع دست اول و کتب روایی و تاریخی بر می‌آید، سیره امام نهم، دهم و یازدهم علیه السلام در عرصه‌های اجتماعی از جمله ارتباط با خانواده و خویشان خود بر مبنای اصول قرآنی و اسلامی و به تبعیت از سیره نبوی بوده است. نتیجه این پژوهش که با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته، حاکی از آن است که ایشان با استفاده از روش‌های مختلف از جمله رعایت ضوابط اخلاق اجتماعی چه در درون خانواده و چه در جامعه و با ایجاد شبکه ارتباطی و کالت در درون هسته شیعه، این مأموریت خود را به انجام رساندند.

**واژگان کلیدی:** امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام، امام حسن عسکری علیه السلام، خانواده، ارحام.

\*. عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد.

\*\* . کارشناسی ارشد تاریخ تشیع.

## مقدمه

مکتب اسلام دارای نظام خاص تربیتی برای ایجاد امت نمونه اسلامی است که الگوی عملی آن بر اساس سیره رفتاری پیامبر ﷺ و ائمه معصومین  مدلسازی و معرفی شده است. این مدل تربیتی را که در اصطلاح سیره نامیده می شود باید در لابلای احادیث و روایات تاریخی بازشناسی نمود و سیره شناسان آن قسمت از سیره را که به خانواده و خویشان مربوط است، سیره خانوادگی نامیده اند. امامان شیعه در زمان خود به عنوان نوادگان پیامبر ﷺ مورد احترام مردم بوده و عموم مردم اعم از شیعه و سنی به رفتار آن ها نظر داشته، آن را مصداق حقیقی سنت نبوی می دانستند. ایشان جدای از مقام امامت و رهبری که شیعه امامیه معتقد به آن بود دارای نوعی مرجعیت علمی و اخلاقی در جامعه بودند و همگان رفتار آن بزرگواران را با دقت مدنظر داشتند. لذا عملکرد ایشان چه در خانواده و چه در جامعه و در برخورد با خویشان مورد توجه مردم بود. پس از حضور امام رضا  در مرو و شهادت آن حضرت سختگیری خلفای عباسی بر ائمه  شدت یافت و کنترل مستقیم و غیر مستقیم آن بزرگواران وارد مرحله جدیدی شد. به خصوص از زمان امامت امام هادی  با انتقال امام و فرزندش به سامرا بر شدت نظارت ها و سختگیری ها افزوده شد. حال پرسش این است که این سه امام با وجود سختگیری های خلفای زمانشان در خانواده و در برخورد با خویشان چگونه عمل می کردند؟

با دقت در منابع دست اول تاریخ شیعه می توان دریافت که آن بزرگواران علی رغم نظارت های فوق العاده خلفای وقت همچنان رسالت خود را (که از آن جمله توجه به خانواده و ارتباط با خویشان بود) به انجام رساندند. گرچه تا امروز آثار ارزنده ای در مورد زندگی این سه امام به رشته تحریر در آمده است نظیر نگرشی کوتاه بر زندگانی امام هادی  (علی محمد علی دخیل) و تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری  و امام هادی  (باقر شریف قرشی) و زندگانی سیاسی امام جواد  (جعفر مرتضی العاملی) و... ولی در هیچکدام به طور خاص سیره خانوادگی این سه امام مورد توجه قرار نگرفته است. امروزه با توجه به دگرگونی در روابط خانوادگی و پیچیدگی و تنوع راه های ارتباطی خویشاوندان با یکدیگر، توجه به سیره آن بزرگواران در سطوح مختلف روابط خانوادگی می تواند بهترین راهنمای ما در انتخاب بهترین موضع در موقعیت های مختلف اجتماعی و خانوادگی باشد. لذا پژوهش حاضر در پی آن است تا با روش توصیفی و با بهره گیری از داده های کتابخانه ای به این مهم جامه عمل پوشانده و بعد خانوادگی سیره این سه امام را تشریح نماید.

## ۱. ازدواج و تشکیل خانواده

انسان موجودی اجتماعی است که حکم طبیعت خود به اجتماع متمایل بوده و از تنهایی گریزان است. نهاد خانواده به عنوان نخستین و مهم ترین نهاد اجتماعی که آدمی از بدو تولد در آن حضور می یابد، همواره مورد توجه دین اسلام بوده است.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَأِمَائِكُمْ إِنَّ يُكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور/۳۲)؛ مردان و زنان بی همسر و بردگان و کنیزان شایسته و درستکار را همسر دهید و اگر تنگدست باشند خداوند از فضل خود آن ها را بی نیاز می کند و خداوند گشایش دهنده آگاه است. پیامبر اکرم ﷺ نیز به ازدواج و تشکیل خانواده توجه خاص داشته و می فرمودند: «ازدواج کنید با زنان زیرا آن ها برای شما

سبب روزی هستند.» (ر.ک: طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۷۴) و نیز می‌فرمودند: «در اسلام کاخی که در نزد خدا محبوب‌تر از ازدواج باشد، برافراشته نشده است» (همان، ص ۳۷۳).

امامان معصوم علیهم‌السلام نیز به عنوان جانشینان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم‌وآل‌ه‌وسلم‌وآل‌ه‌وسلم که پس از آن حضرت پرچمدار حفظ اسلام و فرامین آن در جامعه اسلامی هستند، به این مهم توجه خاص داشتند (ر.ک: حرانی، ۱۳۷۶، ص ۴۷۹).

## ۱. معیارهای انتخاب همسر

با دقت در منابع روایی و متون دینی این نکته به دست می‌آید که اسلام برای ازدواج و انتخاب همسر معیارهایی را مد نظر قرار داده و لزوم توجه به آن‌ها را برای تحصیل خوشبختی و دستیابی به همسری هم کفو و همراه ضروری می‌داند.

یکی از معیارهای مد نظر ائمه طاهرين در انتخاب همسر که در سیره ایشان منعکس شده، تقوا و پاکدامنی است. تقوا به معنی ترس از خدا و باور به حضور حضرتش در تمام لحظات زندگی و پاکدامنی به معنی دوری از آلودگی‌ها و روابط نامشروع جنسی و مقاومت در برابر وسوسه‌های شیطانی و نداشتن رفتارهای غیراخلاقی است. امام جواد علیه‌السلام در پاسخ به نامه یکی از دوستان که در مورد ازدواج دخترانش نوشته بود و این که کسی مانند خودش برای آن‌ها سراغ ندارد، چنین فرمود: «... فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم‌وآل‌ه‌وسلم‌وآل‌ه‌وسلم قَالَ: جَاءَكُمْ مِنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فُسَادٌ كَبِيرٌ» (کلینی، ج ۵، ص ۳۴۸).

رسول خدا در این باره فرمود: «هرگاه کسی به خواستگاری دختران شما آمد که از اخلاق و دینتش راضی بودید او را زن دهید که اگر چنین نکنید فتنه و فساد بزرگی روی زمین بروز می‌کند. این مسأله در سیره امام هادی علیه‌السلام نیز مورد تأکید قرار گرفته است. امام هادی علیه‌السلام در مورد همسرش (مادر امام حسن عسکری علیه‌السلام) می‌فرمود: «سلیل از آفت‌ها، پلیدی‌ها و ناپاکی‌ها محفوظ است...» (ر.ک: مسعودی، ۱۴۲۶، ص ۲۴۴) همچنین راویان حدیث در مورد مادر امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌گویند: «وی از زنان عارفه و صالحه بود» (ابن عبد الوهاب، بی‌تا، ص ۱۳۴). چنانکه ملاحظه می‌شود امامان شیعه علی‌رغم موقعیت خاص اجتماعی به عنوان ابناء رسول الله، مهم‌ترین ملاک انتخاب همسر را تقوا و پاکدامنی می‌دانند و نه ملاک‌های مادی.

امانتداری یکی دیگر از ملاک‌های مد نظر ائمه علیهم‌السلام برای ازدواج است. امام جواد علیه‌السلام در پاسخ به نامه یکی از شیعیان که در مورد خواستگار دخترش نظر آن حضرت را جویا شد، فرمود: «هرکس از شما دختری خواست و درخواست وصلت کرد، دین و امانتش را بنگرید، اگر رضایت بخش بود هرکس که باشد با وی وصلت کنید که اگر این کار را نکنید در روی زمین تباهی و فساد به بار می‌آورد» (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۳ و ۲۴). با دقت در این حدیث متوجه می‌شویم که علاوه بر دینداری و تقوا، به ویژگی امانت نیز در سیره امامان شیعه توجه خاص شده است. این مسأله گویای آن است که امامان معصوم به دختر به عنوان امانتی در اختیار همسرش می‌نگریستند؛ لذا فردی را شایسته ازدواج با او می‌دانستند که امانتدار خوبی باشد و بتواند از آن دختر همچون امانتی گرانها نگهداری کند.

## ۲.۱. تأسی به سیره نبوی در تعیین صدق

همان طور که در مکتب اسلام و در سیره اجتماعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ازدواج به خصوص ازدواج‌های آسان و عاری از تشریفات تأکید شده در سیره اجتماعی ائمه اطهار علیهم السلام نیز به این مهم توجه شده است. آن طور که در کتب تاریخی و اخلاقی ملاحظه می‌کنیم وقتی مأمون از امام جواد علیه السلام خواست تا خطبه عقد خود را با دخترش ام‌الفضل بخواند امام علیه السلام چنین فرمود: «... از جمله نیکی‌های خدا بر مخلوقات جن و انس این است که به وسیله حلال، آن‌ها را از حرام بی‌نیاز کرد... محمد بن علی بن موسی، ام‌الفضل دختر عبدالله را خواستگاری می‌کند و مهریه جده‌اش زهرا علیها السلام دختر محمد علیه السلام را مهریه او قرار می‌دهد که عبارت است از پانصد درهم» (ر.ک: طبری، ۱۳۸۳، ص ۲۰۷؛ طبرسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۳۹۴). امام جواد علیه السلام بدون توجه به موقعیت مأمون به عنوان خلیفه عباسی و دربار پر از تشریفات و تجملاتش، در ازدواج با دختر خلیفه، سیره نبوی را مد نظر قرار داده و همسرش را با مهریه جده‌اش زهرا علیها السلام به ازدواج خود در می‌آورد. البته شاید قصد امام از این کار توجه دادن جامعه و دستگاه حکومتی به سادگی و بی‌تکلف بودن برگزاری شعائر اسلامی در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و برداشتن قدمی در جهت تغییر فرهنگ جامعه بوده باشد.

## ۳.۱. رابطه زن و شوهر با یکدیگر

همان طور که خانواده در اسلام از جایگاه خاصی برخوردار است و به آن به عنوان اولین نهاد اجتماعی توجه خاص شده است، رابطه زن و شوهر نیز به عنوان دو پایه اساسی خانواده همواره مد نظر اسلام بوده است. امامان شیعه نیز چه در زندگی روزمره و چه در پرسش‌هایی که از ایشان در این حوزه می‌شد، به این مسأله توجه داشته و به آن تأکید می‌کردند.

طبق روایتی وقتی از امام جواد علیه السلام در مورد علت تفاوت همسر با سایر محارم در طریقه اثبات نسبت زنا به همسرش سؤال شد، فرمود: «... این تفاوت برای آن است که خداوند راه ورود را بر زن نسبت به همسرش باز گذاشته تا هر وقت که بخواهد بر او وارد شود ولی برای دیگران چنین نکرده است...» (ر.ک: صدوق، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۴۱ و ۲۴۲) این روایت حاکی از آن است که ائمه اطهار علیهم السلام نیز به رابطه زن و شوهر به عنوان یک رابطه خاص و استثنایی توجه داشته و از نظر فقهی نیز بنا بر قوانین اسلامی برای این رابطه حکم خاص قائل بودند.

## ۲. خانواده اسلامی

خانواده اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که آدمی از بدو تولد در آن وارد شده و زمینه ساز ورود او به اجتماع است. خداوند متعال در قرآن کریم به مؤمنان سفارش کرده است که مراقب خود و خانواده خویش باشند و تقوا پیشه کنند. تأکیدات قرآن به گونه‌ای است که گاه فرد و خانواده مخاطب یک کلام واحد قرار گرفته‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم/۶)؛ ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست حفظ کنید. بنابراین انسان همچنان که مسئولیت حفظ و نگهداری خود را دارد، در قبال خانواده نیز مسئول است و خسران و زیان فرد متوجه خانواده‌اش نیز می‌شود. با دقت در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متوجه می‌شویم که ایشان نیز در ابتدای دعوت علنی‌اش، مأمور ابلاغ رسالت به خویشان نزدیک خود شد: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء/۲۱۴) امامان

معصوم علیه السلام نیز به تأسی از اجداد خود به خانواده توجه خاص داشته دوستان و شیعیان خود را به این مهم توصیه می کردند.

## ۲. ۱. اهمیت بنیان خانواده

امامان معصوم علیهم السلام در راستای تعلیم اسلام، برای خانواده اهمیت فراوانی قائل بودند و توصیه آنان به افراد در جامعه اسلامی در راستای کمک به حفظ بنیان خانواده بود.

### ۲. ۱. ۱. فرزند آوری

یکی از مصادیق حفظ بنیان خانواده، فرزند آوری است. در تواریخ آمده است که امام حسن عسکری علیه السلام در برخورد با یکی از یاران خود هنگامی که از بی فرزندی او مطلع شد فرمود: «اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ وَلَدًا يَكُونُ لَهُ عَضُدًا فَنَعْمَ الْعَضُدُ الْوَلَدُ...» (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۷۸)؛ خدایا او را فرزندی روزی کن که بازوی او باشد. همانا فرزند عضد و بازویی خوب است... امام حسن عسکری علیه السلام داشتن فرزند را دارای فواید و برکات دانسته و افراد را به این مهم سفارش می کردند.

### ۲. ۱. ۲. پیشگیری از طلاق

امامان علیهم السلام نه تنها به توسعه نهاد خانواده نظر داشتند بلکه در وهله اول به حفظ آن توجه ویژه می نمودند. امام هادی علیه السلام در پاسخ مردی که پرسیده بود آیا می تواند طلاق دخترش را از همسر او که مورد پسند آن مرد نبود بگیرد یا نه، چنین فرمود: «اگر ناخشنودی به جهت امر مذهبی باشد، مانعی ندارد که به این کار اقدام کند ولی اگر جهت دنیایی دارد برای جدایی میان دو حلال اقدامی ننماید» (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۷۸). چنان که ملاحظه شد از منظر امام هادی علیه السلام حفظ بنیان خانواده و جلوگیری از انهدام آن اهمیت زیادی دارد و تا جایی که مشکل و مسأله بین دو نفر جنبه شرعی و مذهبی نداشته باشد جدایی زن و شوهر از یکدیگر جایز نیست.

### ۲. ۲. تکریم والدین

پدر و مادر کسانی هستند که انسان را به وجود آورده و از نخستین لحظه تولد، نیازهای انسان به وسیله آنان تأمین می شود، لذا اسلام احسان و نیکی به آنان را چه از جهت مادی و چه معنوی لازم و ضروری می داند. این وظیفه از نظر قرآن چنان حسّاس و پر اهمیت است که پس از وظیفه انسان در برابر خداوند قرار گرفته: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ...» (نساء/۳۶)؛ خدا را پرستید و هیچ چیز را شریک او نسازید و به پدر و مادر و خویشاوندان خود نیکی کنید....

امامان معصوم علیهم السلام نیز برای والدین به عنوان مدیران اولین نهاد اجتماعی که انسان در آن وارد می شود، جایگاه خاصی قائل بودند و احترام به پدر و مادر را به همگان توصیه می کردند. امام هادی علیه السلام به کسی که از رفتار فرزندش شکوه داشت و از او ناراضی بود فرمود: «عاق شدن داغی است برای آنکه تا به حال داغ ندیده است». مقصود امام علیه السلام

این بوده که فرزند آن مرد با ناراضی ساختن پدرش گویا از میان رفته و پدرش را داغدار ساخته است (دخیل، ۱۳۶۱، ص ۳۲).

آن بزرگواران نه تنها دیگران را توصیه به احترام به والدین می نمودند بلکه این مهم در سیره خود ایشان نیز منعکس شده است. یکی از مصادیق آن را در تکریم والدینشان پس از مرگ و توجه به تدفین ایشان مشاهده می کنیم. در منابع این طور آمده که هنگامی که امام علی النقی (ع) وفات یافت امام حسن عسکری (ع) از خانه بیرون آمد با پیراهن چاک زده از پشت و پیش رو (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۵۳). در نقلی دیگر آمده است: «... و امام (ع) قبل از این که معتمد خارج شود بر بدن پدر خود نماز خواند...» (مسعودی، ۱۳۴۳، ص ۴۵۹). این مسأله میزان علاقه امام به پدر بزرگوارش و شدت ناراحتی ایشان در فراق پدر را نشان می دهد تا جایی که برای بعضی از افراد قابل درک نبود. چنان که در نقلی آمده است یکی از یاران ضعیف امام (از نظر اعتقادی) از امام حسن عسکری (ع) در مورد علت پاره کردن لباس در عزای پدرش پرسید. امام با ناراحتی به او فرمود: «یا أحمق و ما یدریک ما هذا قد شق موسی علی هارون أخیه» (کشی، بی تا، ۴۷۹)؛ ای سبک خرد، ... موسی نیز در غم هارون گریبان درید (مسعودی، ۱۳۴۳، ص ۴۵۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۳۶۱۳؛ اربلی، بی تا، ج ۳، ص ۲۹۵).

یکی از مصادیق توجه و احترام به والدین ادای دیون ایشان پس از مرگشان است. ائمه معصومین (ع) همواره به این امر تأکید کرده و خود نیز نسبت به انجام آن کوتاهی ننموده اند. روایت شده امام جواد (ع) پس از مرگ پدر گرامی اش چهار هزار درهم بدهی او را پرداخت کرد (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۲۱).

## ۳.۲. تربیت فرزندان

در تحقیقات تربیتی این مطلب به اثبات رسیده که خانواده در تکوین اخلاق و رفتار انسان و ساختار شخصیتش اثری شگرف دارد و آنچه از تصاویر درست و نادرست مشاهده می کند در اعماق روحش منعکس می شود و در سراسر زندگی همراه او می ماند (شریف قرشی، ۱۳۷۱، ص ۲۶). لذا امامان معصوم (ع) به خانواده و رابطه افراد این نهاد مهم اجتماعی اهمیت فراوان می دادند. خداوند متعال نیز در قرآن کریم می فرماید: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ...» (نساء/۱۱).

باید این نکته را یادآوری نمود که این رابطه، رابطه ای دوطرفه است و همان گونه که خداوند متعال حقوق پدر و مادر را بر فرزندان فرض نموده، حقوقی را نیز برای فرزندان بر والدین واجب کرده است.

در احوالات امام هادی (ع) و فرزند بزرگوارش امام حسن عسکری (ع) آمده است: «امام ابو محمد (ع) بخشی از دوران زندگی خود را با پدر بزرگوارش امام هادی (ع) گذراند و در سفر و حضر از او جدا نبود و پدرش را تجسم راستین اخلاق و رفتار جدش رسول اکرم (ص) می دید که بدان وسیله بر سایر پیامبران امتیاز داشت، همان گونه که در وجود مقدس وی تمام خصوصیات ذاتی پدرانش را متبلور می دید و از طرفی امام هادی (ع) نیز در وجود فرزندش تبلور خط امامت کبرا و نیابت عظمای پیامبر (ص) را مشاهده می کرد. از این رو به امر تربیت او اهتمام ورزید و فضیلت او را ستوده، می فرمود: «این پسر من ابو محمد، خوش استعدادترین فرد آل محمد (ع) است و استدلال و برهانش استوارتر است و او بزرگترین فرزند من و جانشین من است. ردای امامت و احکام ما به او می رسد» (شریف قرشی، ۱۳۷۱، ص ۲۸-۲۹).

ائمه طاهرين به فرزندان خود و نيازهاي مادّي و معنوي آن ها توجّه داشته و تا جايي كه جنبه افراط به خود نمي گرفت در جهت تأمين نيازهايشان قدم برمي داشتند.

در نقلي آمده است زماني كه يكي از فرزندان امام هادي عليه السلام گلي به پدر هديه داد، امام آن را گرفته و بوسيد و بر چشمان خود گذاشت «(الحسنی، ۱۳۷۰، ص ۴۷۸). اين روايت بيانگر آن است كه امام هادي عليه السلام به نياز فرزند گرامي اش به محبت به خوبي پاسخ داده و او را از مهر و عطوفت خود سرشار نمود. همچنين شدت علاقه فرزند آن امام به پدر را نشان مي دهد تا جايي كه براي پدر خود گل آورده و به اين وسيله به او ابراز محبت مي كند.

امامان معصوم عليهم السلام در مواقع مختلف سفر و حضر به فرزندان محبت مي كردند. از جمله زماني كه قصد سفر به جايي داشتند. در روايات آمده است هنگامي كه امام جواد عليه السلام قصد سفر به عراق داشت فرزندان خود ابالحسن عليه السلام و موسي را خوانده از آنان پرسيد دوست دارند پدر چه سوغاتي برايشان بياورد (ابن عبد الوهاب، بي تا، ص ۱۳۰).

يكي ديگر از مصاديق توجّه ائمه عليهم السلام به فرزندانشان مواظبت از جان ايشان در برابر دشمنان بود. اين مسأله به ويژه در مورد امام حسن عسكري عليه السلام و فرزند گرامي اش حضرت مهدي عليه السلام كاملاً مشهود است.

امام حسن عسكري عليه السلام از جانب خليفه زمانش تحت نظر و محبوس بود و قهراً از وجود فرزندش در برابر دشمنان هراسناك بود چه آن حضرت مي دانست و در مذهب شيعه مشهور بوده همگان مي دانستند كه امام دوازدهم قائم آل محمد عليه السلام دولت هاي باطل را از ميان خواهد برد. به علاوه حضرت از كسان خود مانند برادرش جعفر كذاب هم كه چشم طمع به ميراث و اموال آن حضرت دوخته بود، ترس داشت. به همين جهت ناگزير از آن شد كه فرزندش را از چشم همگان به جز خواص مخفي بدارد و بدين گونه عامه مردم در مورد متوكّد شدن او شك نمودند (طوسي، ۱۳۵۰، ص ۶۴-۶۵). لذا امام براي اثبات امامت فرزند خود از شيوه هاي مختلفی بهره برد تا توكّد او را براي جامعه شيعيان اثبات نمايد. در منابع آمده است كه امام براي يكي از شيعيان خود قوچي فرستاد و فرمود كه آن را براي پسر امام عقيقه كند ولي در ديدار بعدي امام عليه السلام (به جهت تقيه) خبر مرگ آن فرزند را به او داد ولي مدّتي بعد با فرستادن دو قوچ ديگر از آن مرد خواست كه آن دو را براي عقيقه ذبح كرده و برادرانش را با آن اطعام كند (همان، ص ۱۹۳). اين روايت از يك سو نشانگر شدت خفقان و فشار بر امام حسن عسكري عليه السلام در خصوص توكّد فرزندش و از سوي ديگر نشانگر يكي از راه هايي است كه امام حسن عسكري عليه السلام براي حفظ جان فرزندش و در عين حال معرفي او به شيعيان برگزيده بود. ضمن اين كه نوعي آموزش اخلاق اجتماعي به افراد بود تا بياموزند كه براي نيازهاي فردي خود نيز بايد به جامعه رجوع نمود و به مردم نيازمند توجّه كرد.

نكته ديگري كه شايسه توجّه است اين كه امامان شيعه، دوستان و اطرافيان خود را نيز به رعايت حقوق والدين و فرزندان توصيه مي كردند. امام هادي عليه السلام به نقل از امام صادق عليه السلام مي فرمود: «دعاي سه گروه در درگاه پروردگار پذيرفته مي شود: دعاي پدر براي فرزندی كه به او نيكي كرده است و نفرين پدر براي فرزند وقتی از او ناراضی بوده و عاق كند...» (شريف قرشي، ۱۳۷۱، ص ۱۰۳-۱۰۴) امام جواد عليه السلام در جواب نامه فردي از شيعيان خود كه در مورد نحوه رفتار با پدر ناصبي اش پرسيده بود، فرمود: «جريان پدرت را متوجّه شدم إن شاء الله دعا براي تو خواهم كرد. بهتر اين است كه با او مدارا كني با هر گرفتاري يك فرج است شكيبا باش...» (مجلسي، ۱۴۰۳، ص ۵۰-۵۵).

توجه به تغذیه از امور دیگری است که ائمه طاهرين در مورد فرزندانشان رعایت می کردند و سعی می نمودند که آنان از غذاهای حلال و سالم و در عین حال مقوی استفاده کنند. در نقلی آمده است که امام حسن عسکری (ع) دستور داده بود هر روز با گوشت یک قطعه قلم مغز دار برای فرزندش خریداری شود (طوسی، ۱۳۵۰، ص ۱۹۳).

### ۳. صلة رحم

اسلام به صلة رحم و توجه به خویشاوندان و رسیدگی به آنان اهمیت زیادی داده است. روایات و احادیث زیادی در این زمینه در منابع وجود دارد و در قرآن کریم نیز آیات فراوانی در مورد صلة رحم و اهمیت آن آمده است از آن جمله، این که: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ ...» (نساء/۳۶)؛ خدا را پرستید و هیچ چیز را شریک نسازید و با پدر و مادر و خویشاوندان خود نیکی کنید... . پیامبر اکرم (ص) نیز نه تنها خود به خویشاوندان خویش توجه و رسیدگی می کرد و از حالشان باخبر بود بلکه دیگران را نیز به این کار توصیه می کرد و می فرمود: «صلة رحم و ارتباط با خویشاوندان عمر را زیاد می کند» (صدوق، بی تا، ص ۳۸).

سیره اجتماعی امامان (ع) نیز گویای آن است که ایشان نه تنها خود به خویشاوندان توجه داشته و جویای حال آنها بودند و در مواقع لزوم به یاری شان می شتافتند بلکه دوستان خود را نیز به این مهم توصیه می کردند. یکی از توصیه های اخلاقی امام حسن عسکری (ع) به علی بن حسین بابویه، صلة رحم و توجه به حال خویشاوندان بود (کاشانی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۶۵). همچنین در سیره امام حسن عسکری (ع) مشاهده می شود زمانی که معتمد عباسی خواست امام حسن عسکری (ع) را از زندان آزاد کند، امام (ع) خروج خود از زندان را مشروط به خروج برادرش جعفر دانست و معتمد نیز به خاطر امام (ع) او را آزاد کرد. این در حالی است که جعفر برادر حضرت، انسان درستکاری نبود و همواره مرتکب اعمال خلاف اخلاق می شد ولی امام (ع) او را به حال خود وانگذاشت و فرمود: «ما هر دو از یک خانه آمده ایم اگر من برگردم و جعفر با من نباشد می دانی که صحیح نیست» (ابن طاووس، ۱۳۷۹، ص ۴۳۰). همچنین زمانی که احمد بن اسحاق قمی، از ورود حسین بن حسن - که از خویشان امام حسن عسکری (ع) بوده و در قم زندگی می کرد - به خانه اش به علت شرب خمر جلوگیری نمود و از در خانه اش راند، امام (ع) در دیدار با احمد بن اسحاق او را مؤاخذه کرد. امام که در ابتدا از حضور احمد در مجلس خود ممانعت نموده بود، راندن پسر عموی خود از در خانه اش را دلیل این کار ذکر نمود و در جواب احمد بن اسحاق که علت را تنبه حسین بن حسن بیان نمود، فرمود: «راست می گویی ولی چاره ای نیست باید آنها را گرامی بداری و احترام کنی در هر حال مبادا ایشان را تحقیر کنی چون انتساب به ما خانواده دارند که در این صورت زیانکار خواهید بود...» تجدید نظر احمد بن اسحاق در چگونگی رفتار با حسین سبب شد تا او علت را جویا شود و وقتی از توصیه امام حسن عسکری (ع) با خبر شد از رفتار خود پشیمان شده و توبه نمود (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۵۰، ص ۲۸۲-۲۸۳).

### ۳.۱. تفقد از ارحام

یکی از سیاست های خلفای عباسی که در بین تمام آنها به جز معدودی، مشترک بود، سختگیری بر شیعیان به خصوص علویان بود. چرا که آنان همواره پیشگام و پشاهننگ مبارزه با خلفای ستمگر عباسی بودند. در این بین سهم متوکل از سایر خلفا بیشتر بود. سختگیری بر شیعیان به خصوص علویان یکی از شاخصه های حکومت متوکل بود و

این سیاست وی متأثر از وزیرش عبیدالله بن یحیی بن خاقان بود که به تنفر از این گروه از مسلمین شهره بود (طوقش، ۱۳۸۵، ص ۲۰۵). این سختگیری‌ها شیعیان و علویان را به لحاظ مالی به سختی و مشکلات شدید کشانده بود. در این شرایط امام جواد (علیه السلام) و امام هادی (علیه السلام) به خویشاوندان خود رسیدگی کرده به حال آنان به خصوص از جهت مالی توجه خاص داشتند و دست از یاری آنان بر نمی‌داشتند. امام هادی (علیه السلام) در روز ترویه گوسفندان فراوانی خریده و آن‌ها را میان خویشاوندان خود قسمت نمود (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۲، ص ۵۴۹). علاوه بر کمک به صورت دسته جمعی و رسیدگی کلی به آنان، به صورت انفرادی نیز به احوال ایشان توجه داشته از هیچ کمکی دریغ نمی‌کردند. در نقلی امام به عموی خود که عازم حج بود دوپست مثقال طلا داد تا توشه راه خود کند (ابن شهر آشوب، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۳۵۵۴).

نکته قابل توجه در این قسمت از سیره اجتماعی ائمه (علیهم السلام) کمک به خویشاوندان بدون درخواست خود ایشان است؛ یعنی قبل از این که آنان به حضرت مراجعه کرده، از ایشان کمک بخواهند خود امام به آنان کمک می‌کرد. شاید به این علت که آبروی آنان حفظ شده و عزت نفس ایشان از بین نرود. امام جواد (علیه السلام) به ابوهاشم جعفری از دوستان خود سیصد دینار داد تا به یکی از عموزادگانش دهد و به او فرمود: «او از تو خواهد پرسید که کسی را به من نشان بده تا با این پول کالایی بخرم او را راهنمایی کن» (مفید، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۲۹۳؛ طوسی، ۱۴۱۲، ص ۵۲۰ و ۵۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۹۸ و طبری، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۸۰۶). امامان معصوم (علیهم السلام) حتی از کمک به خویشاوندان منحرف خود نیز دریغ نمی‌کردند. در نقلی امام حسن عسکری (علیه السلام) به دو نفر از خویشاوندان خود که قائل به وقف بودند و امامت آن حضرت را تکذیب می‌کردند، کمک قابل توجهی نمود و با مهربانی با آنان رفتار کرده به ایشان فرمود: «چرا تا به حال به نزد ما نیامدی؟» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۳۶-۴۳۷؛ مفید، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۲۶-۳۲۷ و ابن قتال، ۱۳۶۶، ص ۴۰۴) این گونه کمک‌های امامان (علیهم السلام) نه تنها با اخلاق اجتماعی ایشان (کمک به افراد نیازمند از هر فرقه و مذهبی) تناسب داشت بلکه اهداف فرهنگی نیز در برداشته، می‌توانست سبب جذب و هدایت افراد شود.

مسأله درخور تأمل دیگر در سیره اجتماعی این سه امام، کمک ایشان حتی به آن دسته از خویشان است که نیازی به کمک نداشته و تظاهر به نیازمندی می‌کردند. امام حسن عسکری (علیه السلام) به یکی از خویشاوندان خود که به ایشان از فقر شکایت می‌نمود و قسم می‌خورد که حتی یک درهم ندارد، فرمود: «قسم دروغ می‌خوری و حال آن که دوپست دینار را دفن کرده‌ای. این را به خاطر این نگفتم که به تو کمکی نکنم.» پس به غلام خود فرمود: «هر چه با توست به او بده...» حضرت به او فرمود: «تو از آن پولی که پنهان کرده‌ای محروم می‌شوی...» او می‌گوید: وقتی به آن پول نیاز پیدا کردم و به سراغش رفتم فهمیدم پسرم جای آن را شناسایی کرده و پول‌ها را برداشته و با خود برده است (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۴۱ و ۴۴۲؛ مسعودی، ۱۳۴۳، ص ۴۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۳۷؛ راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۲۷ و إربلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۸۸). امام با این کار خود، هم او را متنبه و شرم‌نده نمود و هم به او نشان داد که دروغ گویی نمی‌تواند گریزی از کار انسان باز کرده، نیاز او را به لحاظ مالی تأمین کند.

### ۲.۳. استفاده از آگاهی‌های غیبی در هدایت ارحام

از آنجا که توجه به روح و فکر افراد بسیار مهم‌تر از رسیدگی به جسم ایشان است، امامان (علیهم السلام) علاوه بر توجه به اوضاع مالی و رسیدگی به وضعیت معیشت خویشاوندان خود به شدت به افکار و عقاید ایشان توجه داشته و سعی

می‌کردند تا به طرق مختلف آنان را به راه راست هدایت کرده از حرکت در مسیر غلط باز دارند. گرچه بعضی از آنان از این فرصت برای هدایت بهره نبرده و در مسیر درست قرار نگرفتند. چنانکه علی‌رغم محبتی که امام به محمد بن علی بن ابراهیم بن موسی بن جعفر علیه السلام و پدرش که واقفی مذهب بودند، نمود و ایشان را از جهت مالی تأمین کرد ولی او در پایان حدیث در پاسخ به سؤال راوی که به او گفت: «آیا امری از این واضح‌تر (بر حقانیت امام) می‌خواهی؟ گفت: «راست می‌گویی ولی مذهب واقفیه چیزی است که بر آن عادت کرده‌ایم» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۴۳۷؛ مفید، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۳۲۷-۳۲۶؛ ابن فثال، ص ۴۰۴؛ اربلی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۸۴-۲۸۳). چنانکه ملاحظه می‌شود هدایتگری ائمه علیهم السلام به نوعی فرصتی بود که به خویشان خود می‌دادند تا در مسیر درست قرار گیرند. عده‌ای از آنان، پذیرفته و عده‌ای از آن سرباز می‌زدند. همان طور که در قرآن خداوند می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳).

با دقت در کتب تاریخی و سیره اجتماعی امامان علیهم السلام می‌توان دریافت که ایشان برای هدایت و اصلاح خویشاوندان خود از سلاحی به نام «هیبت» نیز استفاده می‌نمودند. هیبت در روح افراد اثر گذاشته و ایشان را به لحاظ فکری تحت تأثیر قرار می‌دهد. لذا اگر بجا استفاده شود می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر افراد بگذارد. شواهد تاریخی گویای آن است که وقتی امام هادی علیه السلام با احضار متوکل، به سمت دربار او حرکت کرد و گروهی از مردمان از طالبی تا عباسی و جعفری بر در کاخ متوکل، ایستاده بودند آنان زمانی که امام را دیدند سوگند خوردند که برای این جوان (امام هادی علیه السلام) از مرکب خود پیاده نمی‌شویم ولی با نزدیک شدن حضرت همه از مرکب‌ها پیاده شدند و وقتی علت را از ایشان جویا شدند گفتند: «ما ملکنا أنفسنا حتی ترجلنا»؛ ما بی اختیار این کار را کردیم (طوسی، ۱۴۱۲، ص ۵۴۳ و ۵۴۲؛ طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۱۸-۱۱۹؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۳۵۵). همین طور در نقلی دیگر وقتی امام هادی علیه السلام بر عمویش که خود را از آن حضرت بالاتر دانسته و ایشان را نوجوانی بیش به حساب نمی‌آورد وارد شد او (بی‌اختیار) از جای برخاسته و او را بر جای خود نشاند و در مقابل امام نشست و وقتی در این باره از او پرسیدند، گفت: «چون او را دیدم نتوانستم خود را مهار کنم» (طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۱۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۳۵۵).

## نتیجه گیری

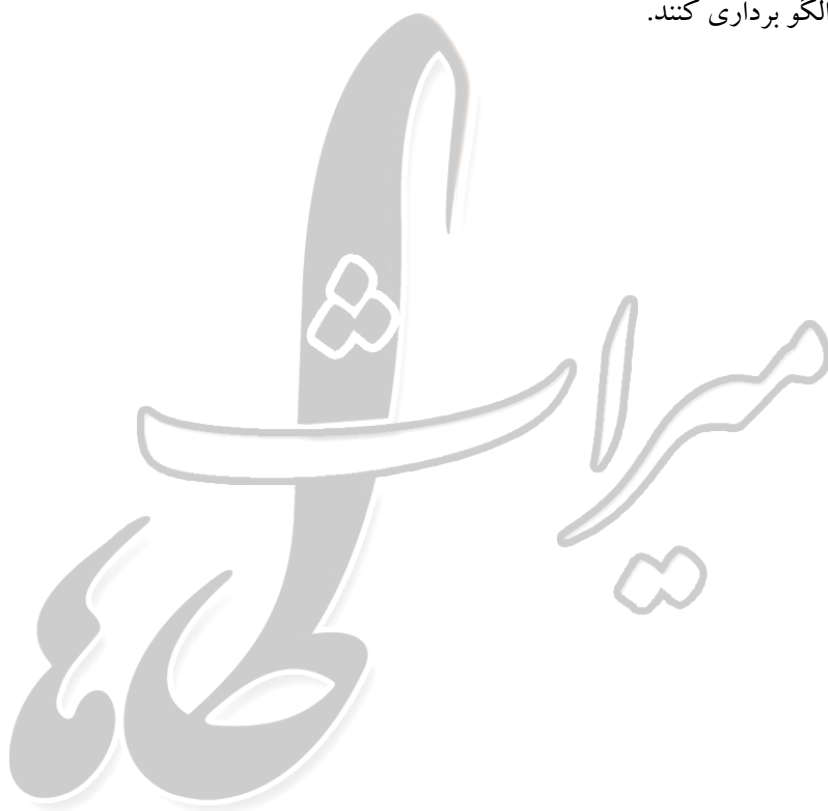
از مجموع مباحثی که در این پژوهش به آن پرداخته شد، یافته‌های زیر به دست می‌آید:

امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام به‌رغم شرایط سخت زمان و مکان، در عرصه اجتماع فعال بوده‌اند و این فعالیت بر مبنای سیره نبوی و آیات قرآن که مورد تأیید عامه مسلمین بود شکل می‌گرفت. سه امام مذکور در سیره خانوادگی خود ضمن تأکید بر ازدواج به عنوان سنت حسنه نبوی و توصیه به پاکدامنی و امانتداری همسر، عامه مردم را به فرزندآوری و رعایت حقوق فرزندان و والدین به صورت متقابل توصیه می‌نمودند. این سه امام در تعامل با خویشاوندان پیشگام بوده، به ارحام خود نگاهی ویژه داشتند و به آنان در تمام زمینه‌های اعتقادی، اقتصادی و مالی یاری می‌رساندند.

امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام به‌رغم شرایط سخت و سختگیری‌های خلفای زمان نظیر مأمون و متوکل که در زمره هوشمندترین و در عین حال سنگدل‌ترین خلفای عباسی بودند، با روش‌های خاص سعی در کنترل محترمانه ایشان داشتند، با خانواده و خویشان خود ارتباط داشته و در موارد لزوم به آنان یاری می‌رساندند.

بنابراین به نظر می‌رسد سیره این سه امام در قلمرو مسائل خانوادگی و ارتباط با خویشاوندان از جامعیت و موفقیت کامل برخوردار بوده است.

اکنون با توجه به نقش بسیار مهم و تأثیرگذار رسانه به خصوص تلویزیون بر افکار عمومی جامعه لازم است فیلم‌هایی بر مبنای رفتارهای ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در موقعیت‌های مختلف خانوادگی و اجتماعی تهیه شده و این رفتارها در جامعه و در میان خویشاوندان نهادینه گردد. همچنین صاحبان قلم به شیوه‌های مختلف نوشتاری نظیر رمان (که برای جوانان جذاب‌تر است) رفتارهای ائمه (علیهم‌السلام) با خانواده و ارحام را به گونه‌ای زیبا به رشته تحریر درآورند تا افراد جامعه بالأخص جوانان از آن الگو برداری کرده در روابط خانوادگی خود به امامان (علیهم‌السلام) تأسی نمایند. هم‌چنین در مدارس و در کتب درسی دانش‌آموزان تعاملات امامان (علیهم‌السلام) با فرزندان و افراد خانواده خویش در قالب حکایات شیرین گنجانده شود تا فرزندان ما از سنین کودکی و نوجوانی با اخلاق نیکوی بزرگان دین خود آشنا شده، برای آینده خود از آن الگو برداری کنند.



## منابع

### \* قرآن کریم

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی؛ **مناقب خاندان نبوت و امامت**، مترجم: حسین صابری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۲.
۲. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد؛ **الفصول المهمة فی معرفة الأحوال الأئمة**، بیروت، دار الأضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۹.ق.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی؛ **مهج الدعوات و منهج العبادات**، مترجم: محمد تقی بن علی نقی طبسی، تهران، نشر رایحه، ۱۳۷۹.
۴. ابن عبد الوهاب، حسین؛ **عیون المعجزات**، بی جا، بی نا، بی تا.
۵. إربلی، علی بن عیسی؛ **كشف الغمة فی معرفة الأئمة**، مترجم: علی بن حسین زوارئی، بی جا، نشر ادب الحوزه، بی تا.
۶. ....؛ **كشف الغمة فی معرفة الأئمة**، تبریز، نشر بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
۷. حسنی، هاشم معروف؛ **زندگانی دوازده امام**، مترجم: محمد درخشنده، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۰.
۸. دخیل، علی محمد علی؛ **نگرشی کوتاه بر زندگانی حضرت هادی**، مترجم: مؤسسه اهل البيت، تهران، مؤسسه اهل البيت، ۱۳۶۱.
۹. راوندی، قطب الدین (سعید بن هبه الله)؛ **الخراج والخراج**، قم، مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۰۹.ق.
۱۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ **من لا یحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۳.
۱۱. ....؛ **من لا یحضره الفقیه**، مترجمان: محمد جواد غفاری، علی اکبر غفاری، صدر بلاغی، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۷.
۱۲. ....؛ **المواعظ**، مترجم: عزیز الله عطاردی، قم، پیام اسلام، بی تا.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن؛ **مکارم الأخلاق**، مترجم: ابراهیم میرباقری، تهران، ناشر فراهانی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
۱۴. ....؛ **إعلام الوری بأعلام الهدی**، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۳۷۶.
۱۵. طبری، عماد الدین؛ **مناقب الطاهرين**، تهران، رایزن، ۱۳۷۹.
۱۶. طقوش، محمد سهیل؛ **دولت عباسیان**، مترجم: حجّت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۵.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن؛ **تحفه قدسی در علائم ظهور ترجمه کتاب الغیبه**، مترجم: شیخ محمد رازی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۰.
۱۸. طوسی، محمد بن علی (ابن حمزه)؛ **الثاقب فی المناقب**، قم، نشر انصاریان، چاپ دوم، ۱۴۱۲.
۱۹. فتال نیشابوری، محمد بن حسن؛ **روضة الواعظین و بصيرة المتعظین**، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶.
۲۰. شریف قرشی، باقر (الف)؛ **تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری**، مترجم: محمد رضا عطائی، مشهد، نشر کنگره جهانی حضرت رضا، ۱۳۷۱.

۲۱. شریف قرشی، باقر (ب)؛ **تحلیلی از زندگانی امام هادی علیہ السلام**، مترجم: محمد رضا عطائی، مشهد، نشر کنگره جهانی امام رضا علیہ السلام، ۱۳۷۱.
۲۲. کاشانی، محمد بن محسن بن مرتضی؛ **معادن الحکمة فی مکاتیب الأئمة**، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۹.
۲۳. کشی، محمد بن عمر بن عبد العزیز؛ **رجال الکشی**، کربلاء، مؤسسه الاعلمی المطبوعات، بی تا.
۲۴. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ **الکافی**، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷.ق.
۲۵. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق؛ **اصول کافی**، مترجم: سید جواد مصطفوی، تهران، علمیه اسلامی، ۱۳۶۹.
۲۶. مجلسی، محمد باقر؛ **بحار الأنوار**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳.
۲۷. .....؛ **زندگانی حضرت جواد و عسکریین علیهما السلام**، ترجمه جلد پنجاه بحار، مترجم: موسی خسروی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۴.
۲۸. مسعودی، علی بن حسین؛ **اثبات الوصیة لعلی بن ابی طالب علیہ السلام**، قم، نشر انصاریان، ۱۴۲۶.
۲۹. .....؛ **اثبات الوصیة لعلی بن ابی طالب علیہ السلام**، مترجم: محمد جواد نجفی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۴۳.
۳۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ **الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، قم، ناشر مؤتمر العالمی لألفیه، ۱۳۷۲.